

فصل سوم:

«خط خروج»؛

فرار از مردم

□ «طرح مالک و مستأجر»

از شهریور ماه ۱۳۶۱، با توجه به اطلاعات دقیقی که اطلاعات سپاه، دادستانی انقلاب و بخش اطلاعات - عملیات کمیته مرکزی انقلاب اسلامی در تهران، از نحوه سکونت و استقرار نیروهای تشکیلاتی سازمان به دست آوردند، از سوی دادستانی انقلاب اسلامی مرکز (تهران) برنامه‌ای موسوم به «طرح مالک و مستأجر» به اجرا درآمد. این برنامه، نه تنها استقرار نیم‌بند تشکیلات سازمان را به هم زد بلکه عناصر سایر گروه‌ها نیز ضربه‌پذیر شدند. ترسیم وضعیت عمومی تهران، در مقطع طرح مالک و مستأجر، می‌تواند تأثیرگذاری این برنامه را بیشتر نشان دهد:

در شش ماهه اول سال ۱۳۶۱، قریب پنجاه درصد ترورهای سازمان به کشته شدن افراد منتهی شده بود. اغلب این ترورها را تیم‌های عملیاتی موتورسوار انجام می‌دادند؛ و بیشتر سوژه‌های مورد حمله از افراد غیرنظامی بودند. فضایی از رعب و وحشت در خیابان‌های تهران پدید آمده بود. به رگبار بستن یک زن آبستن، شلیک گلوله به یک مستخدم دبستان، به گلوله بستن جمعی از یک خانواده بر سر سفره افطار، حمله به مغازه‌های متعدد با رگبار مسلسل‌های دستی در مرکز و جنوب شهر، آتش زدن یک کانکس جهاد سازندگی که طفل ۵ ساله‌ای را زنده زنده سوزانده بود، قتل عام بی‌پروای دانش‌آموزان در چند مدرسه و استخر، انتشار خبر اعمال وحشیانه‌ای از نوع شکنجه پاسباران کمیته و مانند آن، جو

گسترده‌ای از تنفر را نسبت به سازمان در جامعه ایجاد کرده بود.

در چنین شرایطی، دادستانی انقلاب اسلامی مرکز، با همکاری وسیع کمیته و برخی نیروهای سپاه، و نیز کمک و همپاری مردم کوچه و بازار و بنگاه‌های معاملات ملکی شروع به شناسایی وسیع مستأجران و مالکان نموده افراد مشکوک را احضار و بازرسی می‌کردند. این کار، با تمرکز و طراحی دقیق‌تر، و با ایجاد دوایری برای کنترل نام و مشخصات مستأجران و مالکان و الزام ایشان به مراجعه در کمیته‌های اصلی و فرعی محل سکونت‌شان، وضعی پدید آورد که نه‌تنها مجاهدین خلق بلکه دیگر سازمان‌ها و گروه‌ها را نیز دچار تشوّت و هراس کرد. به دنبال این حرکت، «خطّ خروج» عناصر و هواداران سازمان، به اجرا گذاشته شد؛ لذا در تکمیل این طرح، گلوگاه‌های خروجی تهران و استان‌های کردستان و سیستان و بلوچستان توسط نیروهای امنیتی و اعضای سابق و نادم گروه‌ها - که با مأموران همکاری می‌کردند - تحت کنترل قرار گرفت.

«طرح مالک و مستأجر»، که اجرای آن حدود ۳ ماه (تا نیمهٔ آذر ماه ۱۳۶۱) به طول انجامید، انزوای بیشتر سازمان را در پی داشت. هواداران و سمپات‌های فعالی که به سهولت امکان خروج از کشور برایشان وجود نداشت، بناچار از منازل بستگان و آشنایان استفاده می‌کردند که آن‌ها را به شدت محدود می‌نمود. بدین شکل که یا بستگان و افراد فامیل، با ایجاد محدودیت، فرد را - تقریباً - زندانی می‌کردند و یا خود افراد در موضعی قرار می‌گرفتند که امکان تحرّک و رفت و آمدهای مکرّر و دلبخواه را نداشتند.^۱

○ خطّ خروج از کشور

در این شرایط، که حتی کمترین تحرک نیز برای نیروهای سازمان طاقت‌فرسا و خطرآفرین شده بود، «خطّ خروج از کشور» رسید و دستور عقب‌نشینی کادرها، اعضای واحدهای عملیاتی، و سمپات‌ها صادر گردید.

سیستم خروج، با هماهنگی بقایای «بخش روابط» و عناصر فعال «بخش شهرستان‌ها»، تعبیه و دو مسیر خروج، معین و اعلام شد:

الف) مسیر تهران -> کردستان -> ترکیه و عراق؛

۱. گفت و گوی اختصاصی با یکی از مسئولان اسبق کمیتهٔ مرکزی انقلاب اسلامی و مجری طرح مزبور.

ب) مسیر تهران ← اقلید ← بافق ← کرمان ← زاهدان ← پاکستان.^۱ در شهرستان‌های مختلف واقع در مسیر (یا نزدیک به مسیر)، خانه‌های تیمی موسوم به «پارکینگ» برای سکونت موقت نیروها تهیه شد. سازمان بدین شکل با قاچاقچیان محلی، در زاهدان و کردستان، و نیز با قاچاقچیان پاکستانی و ترک وارد معامله شد و برای خروج هر نفر، مبلغ ۱۵ هزار تومان که در آن زمان پول زیادی محسوب می‌شد، (و بعدها بیشتر شد) پرداخت می‌کرد. این سیستم خروج، بعدها در مقاطع ورود تیم‌های عملیاتی و نیز خروج هواداران باقیمانده در سال‌های ۶۳-۶۴ به شکل دیگری مورد استفاده قرار گرفت.

○ ضربهٔ آذر ۶۱ به سیستم خروج

در آذر ماه ۱۳۶۱، بر اساس یک ردّ فنی - اطلاعاتی، یک تشکیلات متحرک در منطقهٔ فارس و اصفهان شناسایی شد. با استفاده از یک عامل سازمان، تیم‌های عملیاتی مورد نظر (تیم‌های هماهنگ دادستانی و سپاه) جهت شناسایی و دستگیری یکی از عناصر سازمان - که از قضا از مسئولین سیستم خروج بود - عازم اقلید، بافق و شهرضا (قمشه) شدند. با دستگیری یکی دیگر از اعضای شبکه، خطّ خروج سازمان فاش شد و اقدامات گسترده‌ای در جهت خنثی کردن و برچیدن سیستم خروج منطقهٔ مزبور صورت گرفت. سازمان، پس از این ضربه، نزدیک به یک سال، خطّ خروج خود را فقط در مسیر تهران ← کردستان ← عراق فعال نمود.^۲

۱. بشیر، رخدادهای سمخا...، ج ۲: ص ۷۲.

۲. همان: متخذ از پروندهٔ عبدالله طالبی و حواشی پروندهٔ اصغر زمان وزیری.